

بررسی عملیات های نظامی مسلحین در تصرف شهر استراتژیک حلب

مطالعه موردی؛ عملیات ابو عمر سراقب

بهرام اصلی زاده^۱، حمید نجف زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۳۰

چکیده

از زمان شروع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ م، شهر حلب به عنوان یکی از قطب های اقتصادی و جمعیتی این کشور از اهمیت استراتژی در روند سیاسی-نظامی این بحران برخوردار بوده است. از این رو طرفین جنگ اعم از دولت سوریه و جبهه مقاومت از یک طرف و معارضین و حامیان آن ها از سوی دیگر، عملیات های نظامی متعددی به منظور تصرف این شهر استراتژیک طراحی و اجرا نموده اند. جنگ در حلب به قدری از اهمیت و محوریت برای طرفین رسیده که از آن به عنوان مادر جنگ ها یا استالینگراد سوریه یاد شده است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این مسئله است که چرا مسلحین در تصرف شهر استراتژیک حلب با وجود انجام عملیات های متعدد نظامی ناکام ماندند؟ نگارنده با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تلاش کرده است تا ضمن اشاره به مراحل مختلف عملیات های مسلحین برای تصرف شهر حلب (عملیات جاده کاستلو-عملیات بازپس گیری جنوب حلب- عملیات ابراهیم یوسف-عملیات ابو عمر سراقب یا عملیات خروج از محاصره شرق حلب) در قالب مطالعه موردی، عملیات ابو عمر سراقب را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته های پژوهش نشان می دهد که عواملی چون فقدان رهبری واحد، وجود اختلاف در بین گروه های مختلف مسلحین، تکیه بر شیوه تکراری استفاده از انتحاری، بر آورد نادرست سازمان رزم با توجه جغرافیای منطقه عملیات و... در ناکامی مسلحین در تصرف شهر حلب مؤثر بوده است.

کلید واژه ها: جنگ سوریه، حلب، عملیات ابو عمر سراقب، معارضین سوریه.

۱- مدرس و پژوهشگر دانشکده امام علی (ع)

۲- پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

مقدمه و بیان مسئله

سوریه در منطقه غرب آسیا از جایگاه و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. واقع شدن سوریه در کناره دریای مدیترانه، همسایگی آن با رژیم صهیونیستی و حضور این کشور در محور مقاومت، موقعیت ویژه‌ای به این کشور داده است. این موقعیت موجب ممتاز باعث شده است تا تحولات این کشور و پیامدهای آن، در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی با حساسیت زیادی دنبال شود. به دنبال وقوع خیزش‌های مردمی و انقلاب‌های عربی در منطقه غرب آسیا، برخی از مناطق سوریه نیز از ابتدای سال ۲۰۱۱ میلادی شاهد موجی از اعتراض‌ها و ناآرامی‌هایی شد که همه نهادها و مؤسسات دولتی این کشور را نگران ساخت. اعتراض‌ها در فوریه همان سال به صورت مسالمت‌آمیز و به منظور همبستگی با خیزش‌های مردمی در کشورهای تونس، مصر و لیبی شکل گرفت اما از نیمه دوم مارس ۲۰۱۱ میلادی این اعتراض‌ها منجر به درگیری نظامی میان دولت و معترضان شد و با حمایت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی از مخالفان دولت سوریه، این ناآرامی‌ها از بحران داخلی به بحرانی منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد؛ و با شعله‌ور شدن شراره‌های جنگ داخلی، این کشور را به کانون اصلی تحولات استراتژیک غرب آسیا مورد توجه قرار گرفت.

درواقع با شروع جنگ داخلی در سوریه و تداوم آن، امریکا و متحدان غربی و عربی حوزه خلیج فارس را امیدوار کرده بود که به‌زودی دولت سوریه سقوط خواهد کرد و با سرنگونی نظام سوریه یکی از اضلاع جبهه مقاومت از بین خواهد رفت و بدین ترتیب جبهه مقاومت از هم خواهد پاشید و راه برای تقویت جبهه صهیونیستی در منطقه هموار خواهد شد و با عادی‌سازی روابط کشورهای عرب با رژیم صهیونیستی، این منطقه مهم و استراتژیک کاملاً در اختیار جبهه سازش قرار خواهد گرفت؛ از این‌رو اردوگاه غربی - عربی با تمام توان خود از ظرفیت معارضین سوری و تروریسم تکفیری نظیر داعش و جبهه النصره برای سرنگونی نظام سیاسی سوریه استفاده نمود و بر آتش جنگ داخلی در این کشور دامن زد.

در طول جنگ داخلی در سوریه، استان حلب به عنوان یکی از قطب‌های اقتصادی و جمعیتی سوریه، اهمیت استراتژیک فزاینده‌ای برای طرفین جنگ داشت؛ به گونه‌ای که تسلط بر این استان علاوه بر نتایج نظامی و میدانی، می‌توانست نهایی بر جنگ سوریه پیامدهای سیاسی و استراتژیکی مترتب کند. از این‌رو از ژوئیه ۲۰۱۲ دامنه درگیری‌ها در این استان وسعت و عمق بیشتری پیدا کرد

و هر یک از طرفین جنگ - ارتش سوریه و محور مقاومت و معارضین و مسلحین مخالف نظام سوریه - برای تسلط بر این استان عملیات های نظامی متعددی را انجام دادند. در میان عملیات های مختلف معارضین دولت سوریه برای تصرف این منطقه استراتژیک که همگی با شکست و ناکامی مواجه شد؛ عملیات های جاده کاستلو، عملیات بازپس گیری جنوب حلب، عملیات ابراهیم یوسف و عملیات ابو عمر سراقب بسیار حائز اهمیت هستند.

سؤال تحقیق

چه عواملی در شکست و ناکامی مسلحین در عملیات ابو عمر سراقب مؤثر بوده است؟

سؤال های فرعی

- ۱- بحران سوریه تا چه اندازه در ناکامی و شکست مسلحین در عملیات ابو عمر سراقب مؤثر بوده است؟
- ۲- نقش بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای تا چه اندازه در ناکامی و شکست مسلحین در عملیات ابو عمر سراقب مؤثر بوده است؟
- ۳- جایگاه شهر حلب و وقایع آن تا چه اندازه در ناکامی و شکست مسلحین در عملیات ابو عمر سراقب مؤثر بوده است؟

روش تحقیق

در این مقاله نگارنده با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با در نظر گرفتن اهمیت عملیات ابو عمر سراقب به لحاظ نظامی و گستردگی آن، به دنبال واکاوی عوامل مؤثر بر شکست مسلحین در این عملیات می باشد.

ادبیات پژوهش

بحران سوریه

سوریه از ویژگی های مهم راهبردی برخوردار است. از مهم ترین این ویژگی های راهبردی می توان به همجواری با فلسطین اشغالی، همجواری با لبنان به عنوان کانون توجه قدرت ها، همجواری با عراق به عنوان شکل دهنده و متوازن کننده بازیگری منطقه ای، همسایگی با اردن با

موقعیت مهم در ژئوپلیتیک منازعه عربی-صیہونیستی و عقبه با اهمیت در کلیه طرح‌های توسعه طلبانه رژیم صیہونیستی، اشاره کرد. همجواری با دریای مدیترانه، داشتن طولانی‌ترین مرز به طول (۸۲۲ کیلومتر) با ترکیه، که به عنوان یکی از بازیگران مقتدر منطقه و عضو مهم ناتو در غرب آسیا؛ و همچنین کریدور حمایت لجستیکی از مقاومت در لبنان از دیگر ویژگی‌های راهبردی سوریه است.

موقعیت جغرافیایی سوریه، محل پیوند سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا می‌باشد و این کشور بخش با اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی این منطقه را تشکیل می‌دهد که در ابعاد مختلفی نیز پیوند تنگاتنگی با جمهوری اسلامی ایران دارد.

سوریه همچنین جایگاه ممتازی در ژئوپلیتیک انرژی جهان داراست و همه این عوامل در کنار هم موجب شده است تا این کشور و بحران آن به یکی از با اهمیت‌ترین مسائل منطقه و جهان مبدل گردد.

مهم‌ترین علل شکل‌گیری بحران در سوریه به عوامل ذیل وابسته است:

- انباشتگی خواسته‌های مردمی و مشکلات سیاسی-اجتماعی و اهمال و بی‌توجهی نظام به این خواسته‌ها
- اقدامات تحریک‌آمیز عناصر امنیتی
- تنش سنتی میان حزب بعث و اخوان المسلمین
- انفجار جمعیتی به‌ویژه در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین شهری و سوءاستفاده کشورهای عربی خلیج فارس (عربستان و قطر) در ترویج افکار وهابی و تکفیری در این کشور
- تأثیرپذیری جامعه سوریه به‌ویژه جوانان از تحولات ناشی از خیزش‌های مردمی در منطقه عربی بعد از بیداری اسلامی در جهان عرب
- طراحی بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه ترکیه، قطر و سعودی علیه سوریه، با اهداف مختلف و کاربرد مشترک برای پیشبرد اهداف و منافع خودشان در منطقه
- خصومت سنتی میان سوریه با بعضی از بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه عربستان سعودی
- برخورد برخی از بازیگران منطقه‌ای از جمله ترکیه و قطر با رویکردی ایدئولوژیک نسبت

به تحولات سوریه

- نقش رژیم صهیونیستی در تحریک عوامل داخلی و خارجی بحران
- تلاش غرب برای ضربه زدن به سوریه و محور مقاومت
- خصومت سنتی واشنگتن با دمشق به دلایل متعدد به ویژه روند صلح خاورمیانه و نقش تخریبی سوریه در آن، موضوع عراق و به هم زدن بازی غرب در این کشور و...
- اهداف پنهان در پروژه های انرژی در منطقه
- مهندسی بحران از سوی برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با هدف منحرف ساختن و جهت گیری تحولات مردمی جهان عرب
- رقابت میان مسکو و واشنگتن در منطقه مدیترانه
- تأثیر گذاری رسانه ها به خصوص الجزیره و العربیه در شکل گیری و گسترش دامنه بحران از طریق ایجاد جنگ رسانه ای و جنگ روانی بر ضد سوریه (عقیلی، زهرا: ۱۳۹۵)

اهمیت تحولات در سوریه

هر نتیجه ای که از تحولات جاری در سوریه حاصل شود، پیامدهای قابل ملاحظه ای برجای خواهد داشت که توجه به این پیامدهای احتمالی، درجه اهمیت این بحران را آشکار می سازد. به عنوان مثال با فرض پیروزی معارضین در بحران سوریه، زیان های راهبردی قابل توجه جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت می شود. برخی از این زیان ها عبارتند از:

- تفسیر موازنه قدرت در منطقه به سود حامیان معارضین: اختلال در این روند تبعات منفی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت. همچنین موجب سرایت اپیدمی جنگ طایفه ای و جریان افراط گرایی در کل منطقه خواهد شد که این وضعیت در ابعاد مختلف و به صورت های متفاوت بر روی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و افزایش هزینه های دفاعی ما تأثیر خواهد داشت. در پی این موضوع عراق نیز دچار مشکلات بیشتر خواهد شد و این وضعیت ممکن است زلزله سیاسی منطقه ای را ایجاد نماید.
- ایجاد خلأ راهبردی در اردوگاه مقاومت در صورت شکست سوریه: در این صورت قضیه فلسطین دچار ضایعات استراتژیک خواهد شد. فقدان سوریه به عنوان متحد منطقه ای، سیاست

منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را با عنوان معضلات سیاسی و امنیتی روبرو خواهد ساخت و حلقه انزوای تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت را تنگ‌تر می‌کند و به دنبال آن احتمال تقسیم سوریه و عراق تقویت شده و باعث تشدید تنش و واگرایی در منطقه و بحران در دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

بدین ترتیب سوریه به عنوان یک بازیگر مهم از دایره منازعه عربی-صهیونیستی، خارج خواهد شد. این امر روی توانمندی و ظرفیت جبهه مقاومت علیه رژیم صهیونیستی تأثیرگذار خواهد بود. این وضعیت قدرت مانور رژیم صهیونیستی را به عنوان دشمن ما در منطقه افزایش خواهد داد و روند سازش و عادی‌سازی روابط با این رژیم را تسهیل خواهد نمود.

مواضع بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای در قبال بحران سوریه

با آغاز بحران سوریه (۲۰۱۱) مواضع بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای در قبال این بحران در دو جبهه مخالف و موافق دولت بشار اسد صف‌آرایی شد. از یک سو، کشورهای اروپایی و آمریکا به عنوان مخالفان دولت اسد و در سوی دیگر، کشورهای چین، روسیه و ایران به عنوان حامیان دولت مرکزی سوریه قرار گرفتند. دامنه شکاف‌ها میان این طیف حامیان و مخالفان به گونه‌ای بوده که می‌توان از بازگشت به نمادهای جنگ سرد و تقسیم جهان به دو جناح شرق و غرب سخن به میان آورد.

۱- آمریکا و ادامه هژمونی

در رویکردی بنیادین، فهم موضع آمریکا به عنوان رهبر بلوک غرب و مهم‌ترین بازیگر حاضر در نظام بین‌الملل، بدون توجه به اهداف و راهبرد استراتژیک این کشور در منطقه خاورمیانه ممکن نمی‌باشد. واشنگتن در خاورمیانه چند هدف و راهبرد اساسی پی‌گیری می‌نماید که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود: <> ۱- تضمین جریان انرژی منطقه به سوی غرب، ۲- پیشبرد فرآیند به اصطلاح صلح خاورمیانه، ۳- تأمین و تضمین منافع اسرائیل، ۴- ستیز با اسلام سیاسی، با عنوان مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، ۵- مقابله و یا حداقل کنترل کشورهای مخالف منافع آمریکا، ۶- گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی، ایجاد بازار آزاد و سکولاریسم در منطقه << (جوادی فتح، ۲۶: ۱۳۸۴-۲۷).

با توجه به شش مؤلفه اساسی نام فوق می توان استراتژی و راهبرد آمریکا را در جریان بحران سوریه مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. اولین نکته این است که به نظر می رسد اساساً سوریه فاقد منابع نفتی و زیرزمینی عمده می باشد؛ و از این رو دولت اوباما در سوریه به امید تأمین جریان انرژی مورد نیاز غرب مداخله کرده است. در سطح دیگر واشنگتن، با توجه به تغییر استراتژیک در ماهیت دکترین سیاست خارجی خود بعد از روی کار آمدن باراک اوباما، به بهانه حمایت از حقوق بشر و پیشگیری از کشتار مردم، سعی می کند به عنوان نمونه ای ایده آل، فرهنگ و ارزش های آمریکایی را در سوریه حاکم نماید. واشنگتن در این مسیر به شدت بر اهمیت ایجاد نظام بازار آزاد و سکولاریسم در سوریه تأکید دارد (نیاکوبین و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۴). اما مهم ترین هدف آمریکا در منطقه خاورمیانه که به طور کامل تبیین کننده دیگر اهداف این کشور در سوریه است، حمایت از امنیت و منافع اسرائیل در منطقه غرب آسیا است. در واقع، حاکمان آمریکایی برای حراست از امنیت اسرائیل از هیچ گونه تلاشی در راستای تضعیف کشورهای مخالف منافع آمریکا در منطقه پرهیز نکرده اند. در همین راستا آنها به طور جد سیاست تضعیف و نابودی جریان های رادیکال اسلامی را که به طور حتم تهدیدی علیه منافع اسرائیل محسوب می شوند، در پیش گرفته اند.

به طور کلی، با توجه به سیاست های آمریکا در منطقه غرب آسیا و رسیدن به منافی چون عملی کردن نفوذ فرهنگ لیبرال دموکراسی در منطقه، حمایت از کشورهای حافظ منافع غرب، ایجاد امنیتی پایدار برای اسرائیل و تضعیف قدرت و مواضع کشورهای مخالف آمریکا در منطقه از جمله ایران و روسیه است. از این رو می توان عنوان نمود که آمریکا تلاش می کند با تضعیف نقش منطقه ای سوریه و ساقط کردن نظام حاکم بر آن امنیت و موجودیت رژیم صهیونیستی را تأمین نماید.

۲- اسرائیل و نگرانی های دیرین

برای دهه های متمادی اسرائیل به سوریه به عنوان تلخ ترین دشمن عربی ضد خود می نگریست. ناسیونالیسم موجود در کشور سوریه به شدت ضد اسرائیلی است و همین امر باعث شده است تا نزاع های مرزی دو کشور دائماً در حاشیه ی ستیز قرار گیرد. آخرین اقدام نظامی

اسرائیل بر علیه سوریه بمباران تأسیسات نظامی سوریه در " عملیات باغستان سال ۲۰۰۷" توسط یک اسکادران اسرائیلی بود. شروع بحران داخلی سوریه در ۲۰۱۱ م ضرورتی را برای سیاست خارجی اسرائیل ایجاد نمود؛ بر این اساس که تل آویو در مقام کشوری دارای منافع در سوریه، می‌بایست رویکردها و مواضع خاصی اتخاذ نماید.

حاکمان اسرائیل از همان ابتدای شروع اعتراضات در سوریه به شدت مخالفت خود را با رژیم بشار اسد نشان دادند و حتی در برهه‌ای طرح حمله نظامی به سوریه را به بهانه حفظ امنیت ملی خود در دستور کار قرار دادند. به‌طور کلی، در تحلیل رویکرد و مواضع اسرائیل در قبال بحران سوریه می‌توان چهار دلیل اصلی را بازشناخت «۱. دلیل اخلاقی در حمایت مردمی که در اثر حملات نیروهای ارتش سوریه کشته شده‌اند، به گونه‌ای که اسرائیل قصد دارد تا خود را حامی حقوق بشر معرفی نماید ۲. تأثیر منفی حمایت از اسد در روابط با کشورهای عربی منطقه در صورت حمایت اسرائیل از حکومت مرکزی سوریه، علناً اکثر کشورهای عربی منطقه که مخالف بشار اسد هستند با بحران روبرو خواهد شد ۳. ناتوانی اسرائیل در روند نتایج سیاسی کشورهای همسایه خود. واقعیت این است که اسرائیل نه محبوبیت داشته و نه این توان را دارد که معادلات کشورهای همسایه خود را رقم بزند ۴. دلیل چهارم و مهم‌ترین دلیل این است که حمایت از «اسد» نشان دهنده شناخت نادرست و ناقص از واقعیت‌های استراتژیک منطقه است. سوریه تحت حکومت خاندان «اسد» باثبات‌ترین متحد جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه می‌باشد و ایران مهم‌ترین چالش استراتژیک امنیت ملی اسرائیل محسوب می‌شود؛ بنابراین، تضعیف ایران اولویت اول سیاست خارجی اسرائیل می‌باشد. سرنگونی «اسد» ضربه محکمی برای تلاش ایران برای سلطه بر منطقه غرب آسیا خواهد بود و تضعیف نفوذ ایران در منطقه در جهت منافع اسرائیل است» (اینبار، ۱۳۹۲).

با قدرت‌گیری دونالد ترامپ در آمریکا، اسرائیل بیش از پیش در تلاش برای تغییر ساختار منطقه غرب آسیا در جهت منافع خود برآمد امری که در زمان اوباما میسر نبود. تضاد بین اسرائیل و باراک اوباما تا حدی بود که وقتی نتانیاهاو به دعوت کنگره آمریکا به این کشور رفت، اوباما با او دیدار نکرد؛ اما رابطه نتانیاهاو با ترامپ کاملاً برعکس بود چرا که کار تا جایی پیش رفت که

حضور آمریکا در منطقه تنها برای خود منافع اسرائیل است.

یکی از شعارهای انتخاباتی ترامپ در زمان کاندیداتوری او برای ریاست جمهوری، خارج کردن نیروهای آمریکا از منطقه غرب آسیا بود؛ اما این شعار با لابی‌گری‌های اسرائیل تغییر پیدا کرد به طوری که در جهت منافع اسرائیل دست به اقدامات متهورانه‌ای زد. دو مورد از اقدامات دیوانه‌وار ترامپ در این راستا، تغییر پایتخت اسرائیل از تل‌آویو به قدس و دیگری خارج شدن از برجام می‌باشد. نتانیاهو می‌خواست در زمان ریاست جمهوری ترامپ به تمامی خواسته‌های خود از جمله آنها الحاق کامل قدس به خاک خود دست یابد. این راستا گام‌هایی نیز برداشت. طرح آمریکا برای صلح خاورمیانه موسوم به معامله قرن تماماً در این راستا صورت گرفت. اسرائیل سعی دارد که با لابی‌گری‌های مداوم ترامپ را به تبعیت از خواسته‌هایش هدایت کند و در این امر نیز تا حدودی موفق بود.

تقابل اسرائیل با ایران در سوریه تنها در رابطه نتانیاهو با آمریکا خلاصه نمی‌شود. اسرائیل همواره سعی می‌کرد تا روسیه را متقاعد کند تا با چانه‌زنی با ایران، بتواند ایران را از سوریه خارج کند. به همین دلیل و در راستای تلاش مضاعف در یک سال، سه بار به روسیه سفر کرد. هر سه بار نیز با ولادیمیر پوتین حول مسائل سوریه و نقش ایران مذاکره کرد. البته روسیه به خواسته‌های اسرائیل تن در نداد. تن دادن روسیه به این خواسته‌ها به معنای تن دادن به نظم آمریکایی بود و این موضوع برای روسیه یعنی از دست رفتن حوزه نفوذ آن کشور در منطقه خاورمیانه.

اسرائیل که سوریه را به واسطه حضور ایران میدانی خطرناک برای امنیت ملی خود محسوب می‌کرد حتی از اقدام نظامی در این کشور نیز فروگذار نکرده. از این رو چندین بار مواضع ارتش سوریه و بعضاً ایران را در سوریه هدف قرار داده و در یکی از این موارد ارتش سوریه واضح اسرائیل در حیفا را هدف قرار داد. تقابل اسرائیل و ایران در سوریه به حدی رسید که برخی کارشناسان از احتمال وقوع جنگ بین این دو کشور البته در میدان سوریه سخن می‌گفتند.

۳- عربستان سعودی و تلاش برای تغییر ساختار منطقه غرب آسیا

به طور کلی، نسبت به موضع و جایگاه عربستان در جناح‌بندی قدرت‌های بزرگ در قبال بحران سوریه می‌توان تأکید کرد که «حکام عربستان از طرفی بقاء خویش و حضور مقتدرانه در

منطقه را در اتحاد قوی با آمریکا دانسته و از سویی دیگر، خود را به عنوان رهبر جهان اهل سنت معرفی می‌نمایند. رهبری که وظیفه دارد در مقابل ایران شیعی، مقاومت و از نفوذ آن جلوگیری نماید. از این رو، عربستان از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به عنوان موازنه کننده و مانعی برای جلوگیری از تأثیرات منطقه‌ای و نفوذ ایران، همواره ایفای نقش نموده است» (فیضی، بهار ۱۳۹۰).

در کل، کشور عربستان علاوه بر اتحاد استراتژیک با آمریکا در سطح منطقه، با داعیه رهبری جهان اسلام در صدد مقابله با نفوذ ایران در سطح منطقه می‌باشد.

از این رو می‌توان عنوان نمود که عربستان اساساً به مسأله سوریه و مقابله با نفوذ شیعیان در منطقه را از بعد امنیتی و به صورت تدافعی می‌نگرد. با توجه به تحولات چنددهه اخیر در منطقه غرب آسیا، به وضوح مشاهده می‌شود که عربستان در کشورهای عراق، لبنان و سوریه قافیه را به ایران باخته است. از همین جهت این کشور با دامن زدن به بحران سوریه، در صدد این است که قدرت ایران را در منطقه به چالش بکشد و به بهانه حمایت از اعتراضات مردمی خواهان سقوط بشار اسد است. در نهایت می‌توان عنوان نمود که هدف عربستان سعودی از دامن زدن به بحران سوریه و دخالت در آن، تسویه حساب‌های قدیمی با رهبران عرب، از بین بردن پل ارتباطی بین ایران و جنبش‌های مقاومت حزب‌الله و حماس در منطقه و همچنین گسترش نفوذ خود در سطح منطقه از طریق روی کار آمدن دولت‌های سنی دست‌نشانده است.

۴- روسیه

روسیه و هم‌پیمانانش از لحظه شروع شورش‌های داخلی علیه دولت بشار اسد، به شیوه‌ای تزلزل از حکومت مرکزی این کشور حمایت کرده و در شورای امنیت سازمان ملل مانع از تصویب تحریم‌ها علیه این کشور شده‌اند.

برای نمونه در اواخر اکتبر ۲۰۱۲ میلادی روسیه و چین در نشست شورای امنیت از حق و توی خود استفاده نمود و قطعنامه سازمان ملل را که در محکومیت سوریه در رفتار با مخالفانش صادر شده بود، وتو کردند.

تحلیل گران، روابط روسیه و سوریه را با مفهوم "عمل‌گرایی ژئوپلیتیکی" توضیح می‌دهند

بدیم معنی که سوریه متحد بلندمدت روسیه در خاورمیانه می باشد. پایگاه دریایی روسیه در بندر طرطوس سوریه نیز همچنان باقی مانده است. به طور کلی، می توان منافع و پیوندهای روسیه را در سوریه در سه محور اساسی جمع بندی نمود: ۱. صنعت تسلیحات نظامی، ۲. روابط تجاری، ۳. بندر طرطوس.

در حقیقت علاوه بر مسائل امنیتی، "انگیزه های اقتصادی" از جمله مهم ترین دلایلی هستند که باعث حمایت قوی روسیه از سوریه شده است. سوریه از ۲۰۰۵ میلادی، یعنی از زمانی که روسیه ۷۳ درصد از بدهی قبلی ۱۳/۴ میلیون دلاری این کشور به اتحاد جماهیر شوروی را به این کشور بخشید، محل ورود فزاینده تسلیحات روسی بوده است. به گونه ای که تا قبل از ۲۰۱۱ میلادی دمشق در مقام بزرگترین خریداران تسلیحات روسی بر اساس گزارش مرکز تحقیقات صلح بین الملل استکهلم، روسیه ۷۸ درصد از کل تسلیحات سوریه را طی پنج سال گذشته (۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲) تأمین کرده است. همچنین، بر اساس آمارها در زمینه تجارت، سرمایه گذاری روسیه فقط در سال ۲۰۰۹ به ۱۹/۴ میلیون دلار رسیده است.

علاوه بر این عوامل ترغیب کننده برای ایجاد همکاری و ارتباط کرملین با رژیم بشار اسد باید به رویه ای دیگر از قضیه عمیقاً توجه داشت و آن این است که حتی ممکن است با سقوط رژیم بشار اسد، روسیه بتواند عواید و منافع بیشتری را از آنچه که در حال حاضر در سوریه کسب کرده است، به دست بیاورد؛ با این وجود، مسئله اینجاست که چرا روسیه هم چنان بدون نشان دادن هیچ لغزشی بر حمایت خود از رژیم بشار اسد پافشاری می کند؟ در تحلیل این مسأله "آلکسی ورویوف" تحلیل گر روسی بیان داشته است که: "از نظر کرملین، بحران سوریه نه تنها کشمکش ایران و سوریه نبوده، بلکه این کشمکش روسیه با غرب می باشد. البته این فقط نوعی دعوی، کشمکش و مبارزه است؛ اما این پیام ساده و آشکار را به داخل و خارج می دهد که ما قدرتمند هستیم و از هیچ قدرتی باکی نداریم" (آدس، ۱۳۹۲).

درواقع، می توان ادعا نمود که مسکو ممکن است به مورد سوریه مانند همچون آزمون نهایی برای جلوگیری از سنگربندی "سناریوی لیبی" در اقدام بین الملل نگاه کند؛ بنابراین، هر نوع دخالت نظامی کشورهای غربی در سوریه می تواند مقدمه ایجاد بحران خطرناکی باشد. روسیه به دلیل محاصره شدن در جمهوری های شوروی سابق و همچنین چشم انداز مداخله نظامی غرب در

نزدیک مرزها و ن بیش از هر چیز، به سوریه به عنوان یک سرمایه‌گذاری برای آینده کشور خود می‌نگرد.

به‌طور کلی، سوریه به عنوان تنها متحد باقی مانده روسیه در میان کشورهای عرب، می‌تواند آخرین تلاش مقامات کرملین برای حفظ نفوذ خود در میان اعراب باشد. در حقیقت، " روسیه با حمایت از رژیم سوریه، خود را به مرکز قدرت جهانی وارد کرده و بعد از جنگ سرد بار دیگر خود را به‌طور جدی مطرح نموده است." از این‌رو، بسیار بعید به نظر می‌رسد که موضع سفت‌وسخت روسیه در برابر کشورهای غربی تغییر پیدا کند. چرا که مسکو اساساً مسأله را در بُعدی فراتر از یک بحران منطقه‌ای در نظر دارد و از هر تلاشی برای ایجاد موازنه در سطح بین‌المللی فروگذار نیست.

۵- ترکیه و چرخش‌های مداوم

با شروع جنگ داخلی در سوریه، موضع ترکیه نیز به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل شده است. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد از میانجی‌گری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. در طی چند دهه اخیر، دولت ترکیه در دو مسأله مهم، اختلافاتی جدی با زمامداران سوریه داشته است. اولین مسأله میان دو کشور، در سرچشمه‌های آب مشترک میان دو کشور می‌باشد؛ به گونه‌ای که همواره میان این دو کشور بر سر منابع آبی که از مرزهای ترکیه به سوی سوریه سرازیر می‌شود، کشمکش وجود داشته است. دیگر مسأله منازعه آفرین میان دو کشور، حمایت دولت مرکزی سوریه از گروه کُرد مسلح معارض ترکیه یعنی حزب کارگران کردستان است. در واقع، دولت ترکیه همواره دولت بشار اسد را به حمایت از گروه‌های شورشی متهم نموده است.

اما از طرف دیگر، با توجه به دکترین عمق استراتژیک احمد داوود اوغلو وزیر امور خارجه سابق ترکیه، بعد از دهه‌ها آنکارا توجه خاصی را به نفوذ منطقه‌ای معطوف کرده است که اساساً با عنوان "نئو عثمانی‌گرایی" خوانده می‌شود. بر مبنای این سیاست دولت‌مداران ترک، دو هدف عمده را در راستای همکاری با بلوک غرب در جریان کرده سوریه پی‌گیری می‌نمایند. از یک سو، از طریق بحران سوریه تلاش می‌کنند تا شکوه و عظمت امپراتوری عثمانی را بازسازی و

بتوانند از مسیر سوریه راهی برای ورود به جهان عرب پیدا کنند تا به این طریق منافع و خواسته های خود را محقق و خود را به عنوان بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه ای در راستای افول نقش عربستان سعودی و مصر در منطقه مطرح کنند. از سوی دیگر، با نظر به این رویکرد که در آینده دولت بشار اسد سقوط خواهد کرد، دو ملاحظه را در نظر دارد: یکی، ممانعت و پیشگیری از تبدیل شدن خاک سوریه برای استقرار حزب کارگران کردستان و دیگر جناح های تندرو اسلامی و دیگری، نفوذ عمیق در دولت آینده سوریه و مشارکت در بازسازی سوریه جنگ زده که می تواند عواید اقتصادی زیادی را برای این کشور داشته باشد (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۶۷-۲۳۱).

اما مواضع ترکیه به این موارد خلاصه نمی شود و پیچیدگی فراوانی دارد. به ویژه اگر تقابل و تضاد آمریکا و ترکیه بر سر مسئله کردهای سوریه و جدا شدن ترکیه از آمریکا به لحاظ سیاسی، بیشتر خود را نشان دهد.

۶- جایگاه و موضع ایران در صف بندی غرب و شرق در قبال بحران سوریه

تاریخچه اهمیت سوریه در ملاحظات ملی و امنیتی ایران را می توان از همان ابتدای استقلال این کشور در سال ۱۹۴۶ میلادی پی گیری کرد. در مجموع تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روابط میان دو کشور بسیار پرفراز و نشیب بود؛ به گونه ای که در مقاطعی از تاریخ، روابط میان طرفین بسیار سرد بود. دلیل عمده این سردی نیز ناشی از اتحاد نظام سیاسی ایران با آمریکا و اسرائیل می شد؛ اما بعد از روی کار آمدن نظام اسلامی و نیز با توجه به ماهیت انقلابی دولت جمهوری اسلامی ایران، سوریه جایگاه ویژه ای را در سیاست خارجی ایران پیدا کرد. در کل، این کشور به واسطه نقش اساسی خود به عنوان حلقه ارتباطی و نفوذ ایران میان شیعیان منطقه به ویژه حزب الله لبنان، در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گرفت؛ بنابراین، می توان سوریه را به عنوان حفاظ امنیتی ایران در مقابل نفوذ غرب و نیز اهرم اصلی ایران برای اجرای سیاست های خود در سطح منطقه ای ارزیابی نمود.

سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی عمومی، به دلیل جایگاه ممتازش در جبهه مقاومت و ارتباط و اتحاد با جمهوری اسلامی، در محاسبات منطقه ای و جهانی، اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. از این رو، تبیین این موقعیت برای ایران امری ضروری است. در یک نگاه کلی اهمیت راهبردی

سوریه را برای ایران می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

۱. قرار گرفتن در محل پیوند قاره آسیا، اروپا و آفریقا.
۲. همسایگی با لبنان، عراق، ترکیه، فلسطین اشغالی به عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه.
۳. مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی سوریه به عنوان تنها کشور عربی
۴. انتقال نفت و گاز ایران و عراق به اروپا.
۵. تأثیرگذاری در معاملات سیاسی لبنان (فرزندی، ۱۳۹۱).

متعاقب شروع بحران داخلی سوریه، ایران برای حفظ امنیت ملی خود در قبال تهدیدهای به وجود آمده، رویکرد حمایت همه جانبه خود را از دولت بشار اسد به اجرا گذاشت. در این راستا اتحادی را با کشورهای روسیه و چین برای جلوگیری از سلطه غرب بر این منطقه اتخاذ نمود و سیاست خارجی خود را در این راستا تنظیم کرد. با توجه به این ملاحظات، در ارتباط با مواضع و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه می‌توان به چهار مسأله اساسی اشاره نمود:

۱. سقوط رژیم بشار اسد می‌تواند در سیاست خارجی ایران در سطوح تمایلات ایدئولوژیکی، بسط هژمونی در مدیترانه شرقی و نقش سمبولیک در روند صلح اعراب-اسرائیل، تأثیرگذار باشد. ایران در پی وقوع بهار عربی در تونس و مصر، آن را به بیداری اسلامی تعبیر کرد و امیدوار بود این روند در خاورمیانه همراه با افزایش قدرت و نفوذ ایران اسلامی منجر باشد. روابط ایران و سوریه در زمره یکی از صبورترین و در عین حال نامتحمل‌ترین روابط در منطقه غرب آسیا مدرن قرار دارد.

۲. ایران از طریق سوریه در جهان عرب از محور راهبردی مناسبی برخوردار است و آمریکا تلاش می‌کند با سقوط رژیم بشار اسد، این پایگاه را از ایران سلب نماید. از این طریق، همچنین نیروهای مسلح طرفدار ایران از قبیل حزب‌الله نیز در محاصره قرار گرفته و ارتباط آن‌ها با دشواری روبرو خواهد شد. به این ترتیب ایران در برابر این تهاجم نیز موضع دفاعی اتخاذ کرده و در این راستا منافع خود را با بلوک شرق هم‌راستا می‌داند.

۳. در صف‌بندی بلوک شرق نسبت به رویکرد ایران، می‌توان بر این امر تأکید نمود که ایران باور دارد حمله مستقیم آمریکا به سوریه رخ نخواهد داد. علاوه بر این حمله به سوریه، به هر حال

می تواند توجهات بیشتری را برای ایران جهت دسترسی به سلاح هسته ای بدهد. همین امر باعث شده است که مسئله هسته ای ایران با بحران سوریه پیوند عمیقی برقرار کند.

۴. در میانه منازعات، ایران توجه خاصی به اتحاد و ائتلاف با روسیه و چین دارد و در مقابل، این دو ابر قدرت نیز توجه خاصی به نقش کارا و فعال ایران در عرصه حمایت از رژیم بشار اسد و تقابل با بلوک غرب دارند. جیمز اف جفری سفیر اسبق آمریکا در عراق و عضو اندیشکده واشنگتن می گوید: "روسیه و چین می توانند به یک تاکتیک دیگر هم متوسل شوند: اتحاد بیشتر با ایران و تحکیم هرچه بیشتر کارزار ضد آمریکایی ایران. برای مثال چین می تواند کاهشی که اخیراً در خرید نفت از ایران داشته را افزایش دهد و بدین وسیله تحریم های آمریکا بر علیه ایران را به چالش بکشد. روسیه هم می تواند در تصمیم خود مبنی بر ندادن تجهیزات هوایی به ایران بازبینی کرده و از این راه به ایران کمک کند تا تحریم ها را دور بزند و از دام آن بگریزد" (جفری ۷ اردیبهشت ۱۳۹۲). همان گونه که آریل کوهن اذعان می کند "روسیه به هیچ وجه خواهان تضعیف قدرت ایران به عنوان اصلی ترین هم پیمان سوریه نیست. در واقع، دولت پوتین معتقد است جنگ سوریه که کشورهای ترکیه، قطر و عربستان را در بر گرفته است، با هدف تضعیف قدرت ایران انجام پذیرفته و دولت روسیه هرگز نمی خواهد قدرت ایران در منطقه تضعیف گردد." (کوهن، ۱۱ خرداد ۱۳۹۲)

نگاهی به تحولات حلب و تأثیرات آن در منطقه

حلب قبل از بحران، بزرگترین شهر سوریه و مرکز بزرگترین استان از نظر جمعیت بود. همچنین این شهر یکی از قدیمی ترین شهرهای سوریه است که تمدن های متعددی بر آن حاکم شده است از جمله می توان به تمدن آرامی، آشوری، فارس، هلنی، رومانی، بیزانسی، اسلامی اشاره کرد.

حلب در دوره عباسی به عنوان پایتخت دولت حمدانی انتخاب شد و تا موصل امتداد پیدا کرد. حلب آخرین حلقه جاده ابریشم از آسیای میانه تا بین النهرین بود و به عنوان سومین شهر بزرگ امپراطوری عثمانی بعد از استانبول و قاهره نامیده می شد. با سقوط امپراطوری عثمانی بخش های شمالی حلب جزو خاک ترکیه باقی ماند. (غازی عانتب آصنا مرسین) این شهر همچنان

بعد از جنگ جهانی اول اهمیت اقتصادی خود را حفظ کرد و به عنوان مهم‌ترین مرکز کشاورزی سوریه خصوصاً کشت پنبه قرار گرفت و با توجه به سابقه تاریخی‌اش در سال ۱۹۸۶ به عنوان یک اثر تمدنی در یونسکو به ثبت رسید.

اهمیت حلب در دوره جنگ

- بخش شرقی حلب در اوایل سال ۲۰۱۳ به دست گروه‌های مسلح معارضه سقوط کرد. حلب به عنوان بزرگترین شهر سوریه، ظرفیت مناسبی را برای معارضین فراهم کرد. حاکمیت بیش از ۶۰ درصد شهر در دست معارضین در سال ۲۰۱۳ به عنوان اولین شهر بزرگ نمایی از توان آنها برای تسخیر شهرهای دیگر بود.

- این شهر ظرفیت پایتختی دولت موقت معارضین را داشت. با سقوط ادلب معارضان مصمم شدند گام مهمی در جهت آزادسازی کامل حلب و اعلام این شهر به عنوان پایتخت خود بردارند. همچنین ترکیه، غرب و کشورهای عربی حامی معارضین سقوط حلب را به عنوان کلید سقوط دیگر مناطق از جمله دمشق دانسته و آن را شمارش معکوسی برای سقوط رژیم می‌دانستند. حلب بر گه مذاکراتی قوی برای معارضین در گفتگوها محسوب می‌شد.

- این شهر با توجه به داشتن مرز مشترک با ترکیه (فاصله ۵۰ کیلومتری) از یک سو و محل تلاقی با استان‌های ادلب، رقه، حمص، از سویی دیگر به مهم‌ترین کریدور لجستیک برای معارضین مسلح در حلب و از حلب به جبهه‌های شمالی تبدیل گشت.

- این استان با توجه به تراکم جمعیتی به مناسب‌ترین مکان برای جذب نیرو برای گروه‌های مسلح تبدیل شد.

- حلب تنها شهری بود که معارضین به اصطلاح معتدل و مورد حمایت ترکیه و غرب به آن سیطره داشتند.

بقیه مناطق از جمله ادلب به صورت مشترک از سوی جریان‌های مختلف مسلح از جمله گروه‌های افراطی و تکفیری مدیریت می‌شدند و سیطره معارضین بر حلب در واقع توازن قوا را در ابعاد سیاسی و نظامی به نفع معارضان شکل داد.

آمار مربوط به حوادث حلب

- تعداد ساکنین شهر قبل از شروع عملیات: ۱۲۲ هزار نفر
- تعداد افرادی که از شهر خارج شدند: ۱۰۰ هزار نفر
- تعداد افرادی که قرار شد در جریان تبادل خارج شوند: ۹۰۰۰ نفر
- تعداد مسلحینی که طبق توافق قرار شد از شهر خارج شوند: ۴۵۰۰ مسلح با سلاح سبک
- تعداد کشته ها ۳۰ هزار نفر
- تعداد مجروحینی که قرار بود از فوعه و کفریا خارج شوند: ۱۲۰۰ نفر
- از مهم ترین عوامل عمده شکست معارضین می توان به عوامل زیر اشاره کرد:
 - طولانی شدن عمر بحران و خستگی مسلحین در محاصره
 - بروز اختلافات داخلی بین گروه های مسلح
 - تبعیت بخش عمده ای از جریان های مسلح از خارج به ویژه ترکیه
 - تغییر اولویت میدانی ترکیه
 - سردرگمی و بی برنامه بودن دولت آمریکا در سوریه به ویژه در مقطع انتخابات
 - عزم دولت سوریه و هم پیمانان وی در پایان دادن به وضعیت حلب قبل از شروع دور جدید مذاکرات
 - دست برتر نظامی سوریه و هم پیمانان آن.

مراحل آزادسازی حلب

با سقوط ادلب خطر سقوط قطعی حلب به دست معارضین برای طراحان نظامی احساس شد. فشارهای شدید نظامی به بخش های تحت محاصره به ویژه مناطق شیعه نشین در استان های ادلب و حلب (فوعه و کفریا، نبل و الزهرا) مشاوران نظامی ایران را برای کاستن این فشارها ترغیب به طراحی عملیات در شمال حلب نمود که در نهایت به آزادسازی نبل و الزهرا تا نزدیکی اعزاز در مرز ترکیه انجامید.

حلب طی چندین ماه به تدریج از حاکمیت معارضین با کمک نظامیان ائتلاف آزاد شد و در ماه های ژانویه، فوریه، می، جولای (شروع عملیات جاده کاستلو)، اگوست (آزادسازی جاده

کاستلو)، سپتامبر (عملیات مسلحین برای بازپس گیری جنوب حلب و شکستن حلقه محاصره)، اکتبر (مقابله با حمله مسلحین و تکمیل حلقه محاصره)، نوامبر (پیشروی به سمت شرق حلب و تنگ تر شدن حلقه محاصره)، دسامبر (آزادسازی کامل شرق حلب) این عملیات به طول انجامید.

بررسی عملیات ابو عمر سراقب

مسلحین به منظور خروج از محاصره در محله های شرقی حلب و به دنبال ناکامی های حاصله از عملیات های آکادمی و عملیات ابراهیم یوسف، عملیات "ابو عمر سراقب"، طراحی و در تاریخ ۲۰۱۶/۱۰/۲۲ آغاز کردند.

اهداف عملیات

وارد کردن ضربه سنگین به جبهه مقاومت و ارتش سوریه با اجرای عملیات نظامی سنگین و گسترده و تصرف مناطق مهم و حساس: ضاحیه الاسد و مشروع ال ۳۰۰۰ و جمعیه الزهرا.
فراهم کردن شرایط مناسب برای ایجاد تأمین بر روی مسافت گسترده ای از آکادمی تا صلاح الدین و در نتیجه شکسته شدن محاصره حلب.
توسعه در عمق با تصرف و یا نفوذ در مناطق مهم مانند حلب جدید و حمدانیه.

اهم اقدامات قبل از عملیات

تقریباً دو ماه قبل از عملیات، اردوگاه ها و مراکز آموزشی مسلحین فعالیت خود را در دو شاخه اصلی آغاز کرد:
الف- دوره های آموزشی نظامی با تأکید بر تاکتیک نفوذ و خط شکنی با تکیه بر انتحاری.
ب- اجرای دوره های عقیدتی با ارائه دروس دینی و سخنرانی ها و برانگیختن احساسات طایفه ای عناصر هجوم.
فعالیت های اطلاعاتی: استفاده از تعداد زیادی پهپادهای شناسایی فانتوم ۳ و ۴ به منظور مراقبت و رصد دائمی منطقه و ثبت تمام تغییرات و فعالیت های منطقه عملیات.

آماده سازی تعداد زیادی انواع قبضه توپ (۱۲۲ م.م)، (۱۳۰ م.م) و ادوات که در مجموع بیش از ۱۲۰ قبضه با پشتیبانی کشور ترکیه بنا به درخواست مسلحین برای این عملیات اختصاص داده شد. علاوه بر آن تعداد زیادی از انواع موشک های گراد، فیل و شام که دارای قدرت تخریب زیادی هستند نیز بنا به طرح در محورهای عملیاتی توزیع شد. تأمین بیش از ۲۰۰ تن مواد منفجره برای آماده سازی ۱۲ دستگاه خودرو و نفربر انتحاری.

حضور فرماندهان و رهبران در سطوح بالا مثل "ابومحمد الجولانی" رهبر جبهه فتح الشام و "ابوعبید المصری" رهبر حرکة احرار الشام در جلسات و دیدارهای فرماندهان و گروه های مختلف که در عملیات شرکت داشتند.

مراحل عملیات

این عملیات در چندین مرحله تقسیم بندی شد:

مرحله اول (شوک بزرگ)

منظور از این مرحله ایجاد شوک و وارد کردن ضربه سنگین بر پیکره نیروهای مقاومت و ارتش سوریه و نهایتاً تصرف مناطق از پیش تعیین شده بود (شکستن خط دفاعی مقاومت و نفوذ به ساختمان های حلب جدید، تصرف منطقه بنیامین شامل کارگاه های چوب بری و کارخانه کارتن سازی، منطقه ضاحیه الاسد، مجتمع های ساختمانی ۱۰۷۰ و ادامه عملیات به سمت جمعیه الرواد). در این مرحله دشمن توانست با استفاده از ۴ دستگاه زره پوش انتحاری (۳ انتحاری در الضاحیه و ۱ انتحاری در ۱۰۷۰) با درگیری های سنگین و شدید بخشی از اهداف خود را محقق کند (ضاحیه الاسد و کارخانه کارتن سازی تصرف شد اما در محور حلب جدید و مجتمع های ساختمانی ۱۰۷۰ با شکست مواجه شد).

مسلحین به منظور تکمیل مأموریت خود در این مرحله به جمعیه الزهرا از محور الفاملی هاوس و بنیامین و ۱۰۷۰ پیشروی کردند و علی رغم استفاده از انتحاری در تمامی محورهای پیشروی فقط توانستند برای چند ساعت در منطقه بنیامین و الفاملی هاوس تسلط پیدا کنند و نهایتاً با

پاتک^۱ نیروهای جبهه مقاومت و ارتش مجبور به عقب‌نشینی شدند.

- مرحله دوم

ایجاد رخنه از دو محور در منطقه مشروع ال ۳۰۰۰ و جمعیه الرواد از یک سو و منطقه حلب جدید از سوی دیگر با استفاده از ۴ انتحاری (یکی در ۱۰۷۰ و دیگری در الرواد و دو مورد در حلب جدید) این مرحله هیچ دستاوردی غیر از تلفات و خسارات سنگین در عده و عده برای مسلحین در پی نداشت. در این مرحله نیروهای جبهه مقاومت و ارتش سوریه ابتکار عمل را بدست گرفته و در ارتفاع الرخم که کلید پیروزی در منطقه ۱۰۷۰ به شمار می‌آمد را بدست گرفته و تا مدرسه حکمت تسلط و حضور خود را گسترش دادند.

- مرحله سوم (حفظ حیثیت - آبرو)

به دنبال شکست عملیات در ۲ مرحله قبلی، فرماندهان گروه‌های مسلحین به سرعت توان باقی مانده خود شامل گروه‌های رزمی، امکانات و ۳ دستگاه نفربر انتحاری را بسیج کردند تا از ۲ محور شمالی و جنوبی به سمت حلب جدید تک کنند و بخش‌هایی از آن را به تصرف خود دریاورند؛ اما نیروهای جبهه مقاومت و ارتش سوریه در یک اقدام پیش‌دستانه مسلحین را غافلگیر و منطقه بنیامین و کارخانه کارتن‌سازی را باز پس گرفتند و به دنبال آن کل ضاحیه الاسد را تصرف و بر آن تسلط پیدا کردند.

مسلحین تلاش کردند با شدت آتش بر مناطق راموسه و صلاح‌الدین و مشغول کردن جبهه مقاومت و پراکنده کردن آنها فشار بر مسلحین جبهه غربی را کاهش دهند که در این امر نیز موفق نشدند.

نکات ضروری در طرح‌ریزی "عملیات ابو عمر سراقب"

استفاده از پرنده‌های بدون سرنشین به‌ویژه کواد کوپترها:

- شناسایی مراکز و مقرهای نیروهای ارتش و جبهه مقاومت، مواضع توپخانه، ضد زره‌ها قبل و حین عملیات.

^۱- پاتک: عمل آفندی است که با تمام و یا بخشی از نیروی پدافند کننده علیه نیروی تک و به منظور ترمیم لجمن در پدافند منطقه ای و یا به دام انداختن و انهدام نیروهای دشمن در محل در پدافند متحرک انجام می‌گردد.

- استفاده از پرندهای بدون سرنشین به منظور هدایت آتش و رسیدن به دقت بالا در اصابت اهداف.
- با توجه به برتری هوایی ارتش سوریه و جبران این ضعف از پرندهای بدون سرنشین بمب افکن برای مورد هدف قرار دادن اهداف اثربخش استفاده شد.
- هدایت نفرهای انتحاری
- تعیین محل کشته ها و زخمی ها و کمک به نیروهای امداد گر جهت تخلیه کشته ها و معروچین.
- ثبت و ضبط اتفاقات صحنه نبرد به منظور بهره برداری و ایجاد ترس و وحشت و اجرای عملیات روانی.
- اجرای عملیات در مقیاس بزرگ تر نسبت به عملیات آکادمی از لحاظ تعداد محورها و مراحل عملیات و همچنین تعدد اهداف موجب شد تا مسلحین نیازمندی امکاناتی خود را با پشتیبانی ترکیه و عربستان سعودی مرتفع نمایند. از جمله آنها می توان به تحویل گرفتن ۱۲۰ قبضه انواع توپ و ادوات از ترکیه، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود را از استان های ادلب و حماه اشاره کرد.
- با توجه به جغرافیای منطقه عملیات (منطقه ساخته شده) و وجود ساختمان های بزرگ و نزدیک بودن درگیری، انواع توپ و ادوات و موشک های گراد و فیل در تعداد بسیار بالا و به جای تیربارهای معمول برآورد و مورد بهره برداری قرار گرفت.
- بر خلاف آنچه که دشمن به لحاظ زمانی در گذشته به آن تکیه داشت، حوالی عصر (کمی قبل از غروب آفتاب) را برای ساعت س.روز.ر تعیین می کرد، در این عملیات الزامی برای زمان تعیین شده نداشت. مطابق با شرایط هر مرحله از عملیات و نیاز به هجوم یا بهره برداری از شکست جبهه مقاومت، عملیات انجام می شد.
- تعیین اهداف و مأموریت برای گروه های شرکت کننده در این عملیات بر اساس اهمیت هدف و شیوه های رزمی گروه ها:
- در جمعیه الرواد مأموریت جیش الفتح.
- در مجتمع های ۱۰۷۰ مأموریت گروه ترکستانی.

- در ضاحیه الاسد مأموریت جبهه الشام و مسلحین ترکیه‌ای.
- در حلب جدید مأموریت گروه‌های تاجیکستانی، صقورالشام، احرارالشام و نورالدین الزنکی.
- عملیات شکستن خط دفاعی با استفاده از انتحاری: این روش شیوه متداول در جیش الفتح بود مانند خان طومان. آنها ابتدا نفوذ کرده و با ورود زره پوش انتحاری و انجام عملیات باعث حرکت و انتقال گروه‌های هجوم با انواع خودروهای زرهی به خط دفاعی و پاکسازی و بهره‌برداری از وضعیت به وجود آمده می‌شدند.
- استفاده از مسلحین سلفی خارجی به عنوان نوک حمله (پیشانی جنگی) در بعضی از محورها با تکیه بر توانایی‌های رزمی و تجارب جنگی آنها مثل لواء ترکستانی در خان طومان.
- پیشروی و کسب موفقیت هر چند محدود به‌ویژه در مناطق حلب جدید، جمعیه الزواد و مشروع ال ۳۰۰۰ و ایجاد حالت سردرگمی و آشفتگی در صفوف نیروهای جبهه مقاومت به‌ویژه ارتش و استفاده از وضعیت پیش آمده برای نفوذ و تسلط کامل بر کلیه مناطق. همان‌طور که در تصرف ادلب از این شیوه استفاده کردند.
- رعایت پدافند غیرعامل در اشکال مختلف آن:
- آتش زدن لاستیک‌ها در مناطق مختلف در حجم گسترده به‌منظور تأثیرگذاری بر دید انواع هواپیماها و بالگردها.
- انتقال شبانه توپ‌های صحرائی و تانک‌ها و نفربرهای زرهی ۳ روز قبل از شروع عملیات و توزیع آنها در محورها براساس طرح عملیات به‌منظور در امان ماندن از دید نیروهای جبهه مقاومت.
- قرار دادن قبضه‌های خمپاره در طبقات زیرین ساختمان‌های مسکونی و تونل‌ها برای در امان ماندن از دید انواع پرنده‌ها و آسیب ندیدن در اثر آتش جبهه مقاومت.
- برپا کردن قبضه‌های خمپاره زیر درخت‌ها و استفاده از پوشش گیاهی مناطق خان العسل و سوق الجبس برای پراکنده کردن قبضه‌ها.

- استتار تانک‌ها و نفربرها به رنگ خاکی و مخفی کردن آنها در زیرزمین و طبقات زیرین ساختمان‌ها تا زمانی که برای مأموریت فراخوانده شوند.
 - احداث خاکریزها و مواضع با رعایت اصل تأمین و حفاظت از نیروها در برابر انواع آتش‌های جبهه مقاومت.
 - تأکید بر برگزاری فعالیت‌های اعتقادی با ایراد سخنرانی‌ها و خطابه‌های حماسی-جهادی در یک فرصت کوتاه قبل از شروع عملیات و همچنین حضور رهبران معنوی در بین نیروها قبل از عزیمت به عملیات.
 - با توجه به جغرافیای منطقه عملیات (شهری) و برتری هوایی ارتش سوریه، مسلحین از تاکتیک جدیدی استفاده کردند. آنها در جابه‌جایی سریع نیروها و انتقال مهمات و تخلیه مجروحین از موتورسیکلت استفاده کردند.
 - فراهم کردن شرایط استفاده از گاز کلر در هر مرحله از عملیات که شکست قطعی باشد، همچنان که در آخرین روزهای عملیات در مناطق ضاحیه الاسد و حلب جدید از آن استفاده کردند.
- مخابرات:
- بکارگیری وسیع شبکه‌های مخابراتی دیجیتال برای تمامی یگان‌ها و اختصاص شبکه عمومی برای هماهنگی بین محورهای عملیاتی.
 - استفاده از فرکانس‌های داخلی بدون ریپیتر برای افزایش شعاع ارتباطی و دشواری در ردگیری و شنود.
 - بعضی از اطلاعات و دستورالعمل‌های عملیاتی به‌طور انحصاری از طریق اینترنت و با کد و رمز ردوبدل شدن.
 - از کار انداختن و بستن سریع کانال بی‌سیم‌هایی که توسط جبهه مقاومت به غنیمت گرفته می‌شد.
 - تلاش برای ایجاد پارازیت بر روی بعضی فرکانس‌های مخابراتی (جنگ الکترونیک).

- تهیه جداول کد و رمز برای هر منطقه و رمز گذاری ساختمان‌ها و اهداف با اعداد برای هر گروه.
- شنود بی‌سیم‌های ارتش و جبهه مقاومت.
- جنگ رسانه‌ای:
 - همراهی گزارشگر جنگی با تیم‌های هجوم به منظور پوشش رسانه‌ای و توضیح اقدامات و روند عملیات از طریق عکس‌های هوایی و کالک‌های عملیاتی.
 - عدم نشر هرگونه هجوم یا تلاش و اقدام ناکام از طریق رسانه‌ها و دستگاه‌های مخابراتی.
 - انتخاب حرفه‌ای کلیپ‌های ویدئویی برای ایجاد جنگ روانی.
 - ایجاد نمایش تبلیغاتی برای سکنه غیرنظامی منطقه عملیات به عنوان منجی و حامی آنان بخشند.
 - تمرکز بر بیان حجم تلفات وارده بر جبهه مقاومت و اجتناب از بیان تلفات جبهه مسلحین.
 - صدور فتوا از طرف رهبران مبنی بر حرام بودن مضمون که مشاهده کلیپ‌ها و تصاویر منتشر شده از سوی جبهه مقاومت.

علل ناکامی عملیات ابو عمر سراقب

فقدان فرماندهی واحد جهت مدیریت صحنه عملیات و وجود چند اتاق عملیات موجب آشفتگی و سردرگمی در بین گروه‌های مختلف مسلحین شد. همچنین عدم هماهنگی میان محورهای عملیاتی موجب شد تا فرماندهان میدانی تصمیماتی خارج از طرح مانند از جمله عقب‌نشینی از ضاحیه الاسد بعد از پیشروی جبهه مقاومت در منطقه بنیامین بدون هیچ‌گونه هماهنگی با فرماندهان عملیات اتخاذ نمایند. تکیه بر شیوه تکراری استفاده از انتحاری و به دنبال آن نفوذ نیروهای خط‌شکن که در این عملیات علی‌رغم استفاده از ۱۱ دستگاه انتحاری به دلیل عدم غافلگیری و آمادگی نیروهای مقاومت برای مقابله با این شیوه نتایج چشم‌گیری حاصل نشد.

ناگزیر بودن به همکاری با مسلحین سوری وابسته به جنبش نورالدین الزنکی و بعضی گروه های دیگر که به عدم ثبات قدم در میدان و فرار و خالی کردن مواضع مشهور بودند.

اصرار بر تصرف منطقه حلب جدید و مشروع ال ۳۰۰۰ با وجود دو پاتک موفق و حساب شده از طرف جبهه مقاومت، عامل بخش زیادی از تلفات مسلحین و فرسایشی شدن عملیات بود. این امر بر روحیه و توان رزمی مسلحین تأثیر منفی گذاشت.

ضعف در اجرای شیوه متداول انتحاری از جمله در منطقه ۱۰۷۰ که به دلیل عدم هماهنگی بین خودروی انتحاری و تیم های نفوذ، تعداد زیادی از مسلحین به دنبال انفجار خودروی انتحاری کشته و زخمی شدند. همچنین کیفیت پایین در عملکرد تیم های نفوذ که در بعضی از مناطق به دنبال خودروی انتحاری وارد میدان شده و بعد از مواجهه با آرایش تاکتیکی نیروهای مقاومت سریعاً اقدام به عقب نشینی می کردند. عدم تأثیرگذاری روانی بر نیروهای جبهه مقاومت و مردم حاضر در منطقه علی رغم موفقیت در بعضی از محورها با توجه به اقدام پیش دستانه ارتش سوریه و جبهه مقاومت در قطع اینترنت و ارتباطات.

برآورد نادرست سازمان رزم لازم برای این عملیات به ویژه نیروی انسانی به طوری که در آخرین مراحل عملیات با کمبود نیروی انسانی مواجه شدند. (علی رغم فراخوانی و انتقال نیرو از استان های ادلب و حماه)

دلایل پیروزی رزمندگان جبهه مقاومت و ارتش سوریه

عنایت و لطف خداوند به رزمندگان اسلام
برتری اطلاعاتی و پوشش اطلاعاتی قبل و حین عملیات به واسطه دیدگاه ها و پرنده های بدون سرنشین و برپا کردن اتاق اطلاعات در خط تماس به منظور ارائه تصویری درست و واقعی از صحنه نبرد و پیش بینی اقدامات مسلحین

وجود هماهنگی عالی میان گروه‌های مختلف جبهه مقاومت و ارتش به سبب اعتقاد واحد و همچنین وجود فرماندهان با تجربه در سطوح بالا و فرماندهان میدانی شجاع و توانمند در کنترل و هدایت رزمندگان

ممانعت هواپیماهای ارتش سوریه و روسیه از به پرواز درآمدن پهپادهای مسلحین و از طرفی مورد هدف قرار گرفتن پهپادهای فانتوم در حین پرواز از طرف نیروهای مقاومت، فرصت چندانی برای پرواز و اجرای مأموریت پهپادها فراهم نکرد. انجام طرح‌ریزی مناسب برای مقابله با انتحاری:

- شناسایی مراکز تجمع و محورهای پیشروی مسلحین و هدف قرار دادن

آنها به وسیله جنگنده‌ها

- توزیع سلاح‌های ضد زره با توجه به طبیعت منطقه و بعد آن به منظور

هدف قرار دادن خودروی انتحاری

- ایجاد میادین مین به‌ویژه مین‌های ضدتانک مکانیکی در مسیر پیشروی

زره‌پوش انتحاری

- ایجاد موانع به‌منظور ممانعت از پیشروی انتحاری از طریق ایجاد

کانال‌های عریض جلوتر از خطوط پدافندی

- در نظر گرفتن نیروی احتیاط در عقبه که مأموریتشان ورود به میدان بعد

از انفجار انتحاری و ایجاد رخنه به‌وسیله تیم‌های مسلحین است. آن‌چنان که در

حلب جدید و جمعیه الرواد و ۱۰۷۰ اتفاق افتاد

- آموزش مناسب نیروها به این ترتیب که بعد از رسیدن انتحاری و قبل از

نفوذ تیم‌های هجوم اقدام به عقب‌نشینی تاکتیکی بوده و با اجرای آتش‌های از

پیش ثبت شده سنگین شرایط را برای بازگشت نیروها و احیای دوباره خطوط

پدافندی فراهم کرد.

قدرت آتش بالا، تهیه بانک اهداف، دقت بالا در اصابت اهداف، انعطاف‌پذیری در

جابه‌جایی قبضه در کوتاه‌ترین زمان

استفاده از عناصر عرب زبان در کنار سایر نیروهای جبهه مقاومت (فاطمیون - زینبیون و ...) که این امر موجب سهولت در فرایند هماهنگی شده بود.

انتخاب و اجرای بی نقص تاکتیک پدافندی دفاع در عمق^۱ و همچنین اجرای سریع و صحیح پاتک که در واقع تجارب درگیری های گذشته با مسلحین در مناطق مختلف، جبهه مقاومت را به این نتیجه رسانده بود.

نیروی انسانی کافی و پرکردن اغلب شکاف ها.

ایجاد مواضع مستحکم بعد از عملیات آفندی و ترمیم خطوط پدافندی با توجه به کارآمدی یگان مهندسی رزمی.

در خلال درگیری هایی که از تاریخ ۲۰۱۶/۱۰/۲۲ تا ۲۰۱۶/۱۱/۱۲ ادامه داشت، نیروهای جبهه مقاومت توانستند بر منطقه تل بازو و کتیبه دفاع جوی تسلط یابند.

جدول تلفات و خسارات وارده به مسلحین

انواع خودروهای تاکتیکی	خودروی انتحاری	پرنده بدون سرنشین	بلدوزر	توپ ۲۳ م.م	نفربر PMP	تانک	زخمی ها	کشته ها
۴۸	۱۲	۱۵	۱	۱۰	۱۶	۹	۱۱۷۱	۵۵۱

نتایج سیاسی و نظامی آزادسازی حلب

- آزادسازی حلب از نظر نظامی، توازن نسبی نظامی بین معارضان و دولت سوریه که چهار سال پایدار مانده بود را به نفع دولت سوریه تغییر داد.

- معارضین از لحاظ سیاسی فشار قابل ملاحظه ای متحمل شدند که بدون شک این وضعیت در شرایط و وضعیت مذاکراتی معارضین و کشورهای حامی آنها تأثیر منفی بجای خواهد گذاشت

۱- دفاع در عمق: یکی از ملاحظات رزم پدافندی بوده و در آن یگان ها در هر رده ی فرماندهی به منظور نگه داری عوارض حساس داخل منطقه می بایستی در عمق گسترش یابند. با قرار دادن عناصری از نیروهای خودی در مواضع جلو یا جلوی مواضع سدکننده در روی عوارض حساس در عمق منطقه و قرار دادن جنگ افزارهای پشتیبانی در عمق اصول پدافند در عمق را میتوان را رعایت نمود.

- معارضان علاوه بر تحمل فشارهای سیاسی و نظامی، متحمل فشار روانی در حلب و دیگر جبهه‌ها نیز شدند.
- احتمال تقویت بیشتر جریان‌های کردی و در نتیجه آن ضعف گروه‌های مورد حمایت ترکیه
- ضربه‌پذیری امنیت ترکیه به دلیل تقویت حضور نظامی ارتش سوریه و تقویت اکراد مخالف ترکیه بالا خواهد رفت و تضعیف گروه‌های مسلح در ادلب مقدمه‌ای برای آزادسازی این شهر خواهد شد.
- اعمال فشار بیشتر به ترکیه در نتیجه افزایش مهاجرت آوارگان و تعمیق شکاف بین صفوف گروه‌های مسلح و همچنین شکل‌گیری و تقویت چرخه اقتصادی سوریه با توجه به موقعیت اقتصادی این شهر در منطقه
- بسته شدن راه امداد گروه‌های مسلح از ترکیه
- قرار گرفتن سیاست مدیریت آثار سلبی ناشی از سقوط حلب در دستور کار ترکیه با توجه به افزایش خطر کردی و ناامنی داخلی در این کشور.
- در جریان آزادسازی حلب نتایج مثبتی نصیب جمهوری اسلامی ایران گردید:
- پررنگ شدن نقش ایران به عنوان یک بازیگر فعال و تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و همچنین مطرح شدن ایران به عنوان محوری باثبات و هم‌پیمانی قابل اعتماد و قابل اتکا و ایجاد فضای اعتماد به نفس در محور مقاومت.
- هم‌پیمانی فعال روسیه با سوریه در پی به اعتماد مواضع با ثبات ایران.
- ورود حزب‌الله به بحران سوریه و نوع بازیگری این مجموعه، آن را به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای قابل اعتماد و دارای مواضعی مبتنی بر منطق و استدلال نشان داد.
- حرکت پیش‌دستانه ایران در مقابله با تروریسم در سوریه موجب دور شدن خطر تروریسم از محیط پیرامونی ایران و داخل ایران شد.
- صحنه نبرد در سوریه موجب افزایش تجربه جنگی در انواع مختلف نبرد میدانی برای

نیروها و فرماندهان نظامی ایران شد و نیروی نظامی ایران توانستند امکان نبرد در خارج از مرزهای خود را تجربه کنند.

- افزایش تجربه نظامی حزب الله لبنان به عنوان هم پیمان استراتژیک ایران و برقراری نوعی فرماندهی مشترک بین نیروهای محور مقاومت (چند ملیتی) توسط ایران تجربه شد.

پیشنهادها

با توجه به بررسی و تجزیه و تحلیل بعمل آمده و براساس جمله معروف (علم جدید در تجربه هاست) پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

- شناسایی جریان های سلفی - تکفیری و شیوه های رزمی آن ها به عنوان حافظان منافع استکبار و صهیونیسم در منطقه به عنوان یک عنوان درسی در اولویت های آموزشی گنجانده شود.

- جنگ های اخیر سوریه و عراق نشان داد که برخلاف جنگ های خطی گذشته، جنگ در دل شهرها و هم ردیف با جریان زندگی مردم اتفاق می افتد، لذا ایجاد اعتماد و اعتقاد به حق بودن جبهه مقاومت موجب همگرایی و پشتیبانی مردمی خواهد شد و این بهترین فرصت جهت صدور امواج انقلاب اسلامی ایران است.

- تجربیات حاصل از جنگ حلب با مقتضیات مکانی آن (مناطق ساخته شده متراکم) در آموزش های نیروهای مسلح کشورمان، جنگ شهری به کار گرفته شود.

- از جمله عوامل کلیدی در پیروزی جبهه مقاومت، وجود فرماندهان میدانی جوان و شجاع بود و این همان تجربه ۸ سال دفاع مقدس است که تکیه بر نیروهای جوان و استفاده از نظر آن ها و بها دادن به آن ها در فرماندهی نظامی را اثربخش ساخته است. تربیت فرماندهان جوان یک اولویت قرار گردید.

- رسیدن به ابتکار عمل بستگی به دسترسی به اطلاعات و سرعت و دقت در تحلیل آن دارد. استفاده از تکنولوژی پهپادها که در اوایل جنگ سوریه چندان مورد

توجه قرار نگرفت، در عملیات بزرگی چون حلب نقش کلیدی داشت. لذا توصیه می‌شود فرماندهان نظامی دانش به‌کارگیری انواع تکنولوژی را در جریان عملیات‌های نظامی فرا گرفته و به کار گیرند.

- با توجه به حضور گروه‌های مختلف در عملیات شهر حلب از طرف جبهه مقاومت (حزب ا...، فاطمیون، زینیون، گروه‌های مختلف سوری و...) ضرورت دارد به‌منظور هماهنگی هرچه بهتر این گروه‌ها، برنامه‌هایی در راستای آموزش‌های مشترک، تمرینات مشترک نظامی صورت گیرد.

- با توجه به حضور مستشاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این وسعت در سوریه، آموزش و یادگیری زبان عربی ضرورت دارد.



منابع

- ۱- جوادى فتح، سارا (۱۳۸۴)، موداهای ایالت متحده در صلح خاورمیانه بزرگ، مجله راهبرد، شماره ۳۵، ص ۲۳-۳۹.
- ۲- نیاکوبین، سید امید و بهمنش، مبین (۱۳۹۱)، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، ص ۹۷-۱۳۵.
- ۳- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱)، اهمیت راهبردی سوریه برای ایران، پیام انقلاب، شماره ۶۲، ص ۲۲-۲۴.
- ۴- کوهن، آریل (۱۳۹۲)، اندیشکده هریتیج: تحویل سلاح های روسی به سوریه چه پیامدهایی برای ایران و آمریکا خواهد داشت.
- ۵- اینبار، افرايم (۱۳۹۲)، اندیشکده «بگین سادات»: اسرائیل چه منفعی در سوریه دارد؟
- ۶- امیدی، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «عثمانی گرایى جدید در سایت خارجی ترکیه: شاخص ما و پیامدهای آن در خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳، ص ۲۳۱-۲۶۷.
- ۷- عقیلی، زهرا (۱۳۹۵) تحولات سوریه و چشم انداز آن، فصلنامه امنیت ملی، شماره ۵۸، بهمن ۹۵ ص ۸۲-۷۵
- ۸- محمودی کیا، محمد، فرهادی، عباس (۱۳۹۸) بررسی مقایسه ای کنش سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه بر اساس نظریه سازه نگاری، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۹۸ ص ۱۷۸-۱۵۱
- ۹- کوشکی، محمدصادق، گودرزی، مریم (۱۳۹۵) نقش راهبردی ترکیه در تحولات خاورمیانه (مطالعه موردی بحران سوریه)، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، خردادماه ۱۳۹۵
- ۱۰- فیضی، سیروس (بهار ۱۳۹۰) منطقه نفوذ، راهبرد قدرت های بزرگ، فصلنامه راهبردی جهان اسلام، موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ص ۷-۳۴
- ۱۱- قاسمیان، روح الله، سیم بر، رضا، جانسیز، احمد (۱۳۹۷) بحران سوریه و جنگ سرد جدید، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۱، بهار ۹۷ ص ۱۹۵-۱۵۹

- ۱۲- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵) آشنایی با جریان‌های سلفی - تکفیری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز باقرالعلوم (ع).
- ۱۳- صفوی، سیدحمزه و نبوی، سید مهدی (۱۳۹۴) رفتارشناسی ترکیه در قبال تحولات سوریه در پرتو دکترین عمق راهبردی، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۴، شماره ۹۴ ص ۱۱۹-۱۳۷
- ۱۴- میرکوشش، امیرهوشنگ، نوکنده، بهادر، پهنه کلایی، سید حسین (۱۳۹۷) نقش آمریکا در بحران سوریه با تأکید بر مدل مدیریت بحران مایکل برچر، مجله راهبرد سیاسی سال دوم، شماره ۴ ص ۴۹-۷۶
- ۱۵- آدمی، علی، آخر الدین، مهری (۱۳۹۲) سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه، ریشه‌ها، اهداف و پیامدها (۲۰۱۱-۲۰۱۲) فصلنامه علوم سیاسی دوره نهم شماره ۲۲ ص ۴۷-۶۹
- ۱۶- رستمی، محمود (۱۳۸۶) فرهنگ واژه‌های نظامی انتشارات ایران سبز
- ۱۷- صادقی، ذوالفقار (۱۳۸۵) درآمدی نو بر اصول و قواعد اساسی جنگ، ج ۱، انتشارات قراقوش
- ۱۸- روزنامه کیهان ((شبهات‌های نبرد حلب با جنگ استالینگراد به روایت بشار اسد)) ۱۵ مهر ۱۳۹۹؛ قابل دسترس است در <http://www.kayhan.ir>
- ۱۹- العالم ((حلب استالینگراد سوریه)) ۱۹ آذر ۱۳۹۵
- ۲۰- خبرگزاری دانشجو ((جایگاه نبرد حلب در شطرنج نظامی سوریه))، ۳۰ آذر ۱۳۹۵.
- ۲۱- اهداف و منافع عربستان سعودی در سوریه چیست؟ <http://www.yjc.ir>
- ۲۲- مرکز نئورس للدراسات ((کیف سقطت حلب)) ۱۷، ۲۰، ۲۵، ۱۰، <http://www.facebook.com/nors.studies>
- ۲۳- عمران للدراسات الاستراتیجیه ((ثوار حلب فی مواجهه الطوق الایرانی الروس)) الباحت، احمدابازید، ۱۶، ۱۱، ۱۰؛ قابل دسترس در <http://www.omrandirasat.org>
- ۲۴- مرکز معلومات حلب ((دراسة عن اسلوب و تکنیک العدو فی المعركة الاخيره)) ملحمه حلب الکبری، ۱۶، ۲۰، ۱۰، ۲۸.